

مفاهیم «تاریخ‌نگاری یادسپار» یا آسمان، «حافظه جمعی» مورس هالبواکس و «مکان حافظه» پیرنورا نیزوام می‌گیرد. او می‌کوشد نشان دهد، فراموشی به اندازه یادآوری در پدیدآوردن روایات تاریخی حائز اهمیت بوده است<sup>۷</sup> و خاطره جمعی تازه مسلمانان ایرانی در ارتباط با افراد، مکان‌ها، نشانه‌ها و الگوهای رفتاری جدید و در رابطه با سایر وابستگی‌های محلی، خویشاوندی، خانوادگی و فرقه‌ای شکل گرفته است. وی در این راستا و به منظور اثبات مدعای خود، در جای‌جای این مکتوب به روایات فراوانی از راویان متعدد در زمان‌های مختلف استناد می‌کند.<sup>۸</sup>

کتاب تازه مسلمانان ایران پس از فتح: روایت، حافظه و تغییر آیین در دو فصل و هر فصل ذیل سه بخش نوشته شده است. فصل اول با عنوان «روایت‌هایی برای یادآوری»، بخش‌های (۱) ارتباط اولیه با اسلام؛ (۲) صحابه ایرانی محمد (ص) و (۳) یافتن معنا در گذشته را شامل می‌شود. در این فصل نویسنده اهمیت تبارشناسی و تمرکز ایرانیان بر ریشه و نژاد و پیوندهای خونی؛ سلمان فارسی از یاران پیامبر و مایه مباحث ایرانیان؛ و بهره‌مندی از روش «تاریخ‌نگاری یادسپار» را طرح می‌کند و برای یافتن نشانه‌هایی از قدمت ارتباط ایرانیان با اسلام، بر یادآوری به عنوان عامل مهم پذیرفته شدن اسلام در میان ایرانیان صحنه می‌نهد.<sup>۹</sup>

ساوانت در فصل دوم، واژه مقابل «یادآوری» یعنی فراموش کردن را ذیل عنوان «روایت‌هایی برای فراموش کردن» و سه بخش فرعی: (۱) بازسازی خاطرات ایرانیان از دوره پیش از اسلام، با ایجاد تردید در ایدئولوژی، نظام‌های باوری و اعمال مذهبی ایران پیش از اسلام؛ (۲) پیامبر (ص) غمگین، و تأکید بر وجود همزمان خیر و شر، با حق و باطل، و (۳) اعلام پایان گذشته، با شروع عصر جدید و غلبه حق بر باطل، حقانیت فاتحان در مقابل تغییر و تحریف هویت سربازان ساسانی گمراه، تلاش می‌کند تا همزمان با تغییر و پذیرش آیین ایرانیان، هویتی جدید را برای ایشان تعریف کند.<sup>۱۰</sup>

ساوانت معتقد است که پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) مسلمانان به اقداماتی نظامی دست زدند که منجر به سقوط امپراتوری ساسانیان و فتح بخش‌های وسیعی از ایران، از عراق تا

مرو، شد؛ لیکن از زمان عباسیان تا غزنویان، همواره فرمانروایان پارسی در مناطقی از امپراتوری وجود داشتند و بر بخش‌هایی از ایران حکومت می‌کردند. همچنین ایرانیان به دلیل تفوق فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی و نفوذ آن در مراکز فرمانروایی فرمانروایان جدید، نقشی حیاتی در مشاغل دولتی، از جمله دیوان داشتند و مناصب مهمی را در میان گروه‌های نخبه جامعه اسلامی عهده‌دار بودند. وی سپس ادعا می‌کند که اکثریت ایرانیان با تأکید بر اهمیت نسب و هویت قومی و مذهبی، یافتن ارتباطات کهن میان ایرانیان و اسلام، رساندن نسب خود به حضرت آدم و ارج نهادن بر سلمان فارسی به عنوان صحابه پیامبر و یار علی بن ابی‌طالب (ع) کوشیدند تا میان ایران پیش و پس از اسلام پیوند برقرار کنند. لیکن درباره سلمان فارسی گفته می‌شود آنچه در ابتدا در مورد سلمان میان ایرانیان مایه مباحث بود، تأکید بر هویت اسلامی او و نه هویت ایرانی‌اش بود؛ با این حال از قرن دهم، اصل و نسب سلمان و پیشینه و خاندان وی در ارتباط با جامعه مسلمانان اصفهان، بازنگری و تعریف می‌شود. علاوه بر موارد برشمرده شده، ساوانت بیان می‌کند که به دلیل ناراضی‌تی از سال‌های پایانی حکومت ساسانیان، گروه‌های بسیاری از ایرانیان مصمم شدند تا حکومت اعراب و اسلام را پذیرفته و با آنها همکاری کنند؛ در حالی که در مقابل، عده‌ای مانند مرداویج تصمیم گرفتند مقاومت کرده و سرزمین‌های فتح شده را پس بگیرند.<sup>۱۱</sup>

ساوانت اعلام می‌کند که به نظر می‌رسد گزارش‌های فارسی و عربی، جزئیات زیادی را درباره ایران پیش از اسلام فراموش کرده‌اند، از جمله اینکه چه کسی طاق کسری را تأسیس کرد؟ این بنا نمایانگر چه چیز و متعلق به چه کسی بود؟ مدائن کجاست و به کدام شهر یا شهرها اشاره دارد؟ چرا عرب‌ها طاق کسری را مدائن می‌نامیدند؟ سپس ساوانت ادعا می‌کند به راستی معلوم نیست چه چیزهایی فراموش شده و کدام بخش از گزارش‌ها صحیح است.

در پی این اظهار نظر، نویسنده مدعی می‌شود، برای وقایع‌نگاران، انتخاب، گزینش و حتی حذف وقایع پیش از اسلام و روایات ایرانی،

